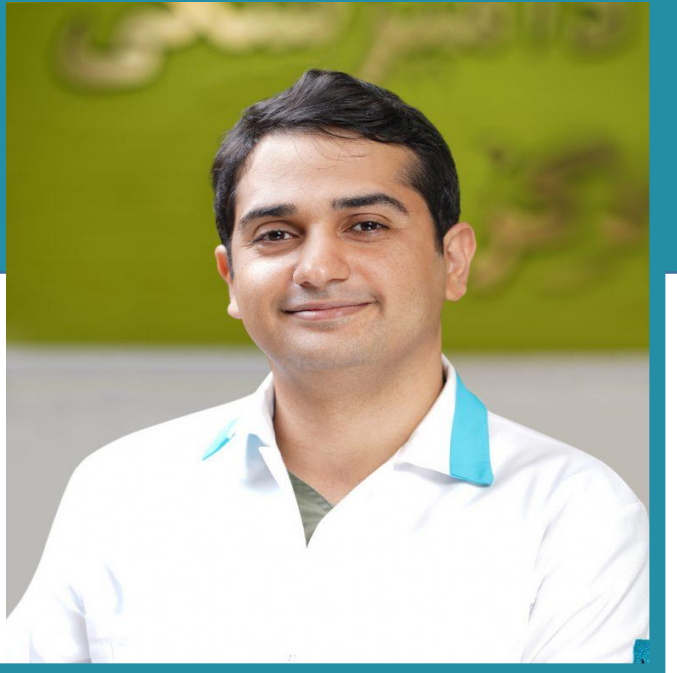




مصاحبه با دکتر بابک باستانی سرپرست مرکز بازپروری حیات‌وحش پارک پردیسان

مصاحبه‌کننده: امید کیانی

دانشجوی علوم و مهندسی محیط‌زیست دانشگاه تهران

omid.kiani@ut.ac.ir

در مصاحبه این شماره از بوم‌کره به سراغ سرپرست و دامپزشک ارشد مرکز بازپروری حیات‌وحش پارک پردیسان رفتیم؛ دامپزشک جوان و خوش‌مشرب دهه شصتی که عشق و علاقه به حیات‌وحش را از حرف‌هایش به آسانی می‌توان برداشت کرد، مهمان این شماره بوم‌کره کسی نیست جز جناب آقای **دکتر بابک باستانی**؛

1. **ضمن سلام و سپاس از وقت و توجه شما نسبت به نشریه بوم‌کره بچه‌های محیط‌زیست دانشکده منابع‌طبیعی دانشگاه تهران، لطفا معرفی مختصری از خود داشته‌باشید.**

من هم سلام عرض می‌کنم و باعث خوشحالی من هست که در خدمت شما باشم. بابک باستانی، ۳۶ ساله متولد شهر تهران هستم. دوره تحصیلات متوسطه را در دبیرستان خوارزمی گذراندم و پس از قبولی در آزمون سراسری، دوره دکتری عمومی دامپزشکی را در دانشکده دامپزشکی دانشگاه آزاد واحد کرج و دوره دکتری تخصصی بیماری‌های داخلی دام‌های بزرگ دامپزشکی را در دانشگاه تهران گذراندم؛ زمینه مطالعاتی تخصصی‌ام بیشتر پیرو طب داخلی حیوانات خانگی و طب دام‌های بزرگ و حیات وحش است در عین حال به کتب فلسفی و به موسیقی کلاسیک علاقه‌مند هستم.

۲. **چرا رشته دامپزشکی را برای تحصیل انتخاب کرده‌اید؟ تا چه حد از انتخاب خود راضی هستید؟ آیا دوره تحصیل در دانشکده دامپزشکی متناسب و در چارچوب با نیازهای فضای کاری فعلی شما بود؟**

مثل همه بچه‌ها که از کودکی ممکن است به خلبانی، معلمی یا ... و برخی نیز به حیوانات علاقه‌مند باشند من هم از دوره کودکی به حیوانات علاقه‌مند بودم و با توجه به سابقه تحصیل خانواده در علوم تجربی به طبابت علاقه‌مند بودم و ذات دکتر بودن را از باب کمک به سلامت یک موجود زنده دوست داشتم و با ورود به رشته دامپزشکی علاقه‌ام روز به روز بیشتر شد و پس از ورود نیز به مرور، عاشق رشته تحصیلی‌ام شده و نسبت به آن تعصب پیدا کردم. دامپزشکی برای من از هر دو حیث و جنبه احساس معنوی کمک به موجود زنده و نیز درآمد مالی رضایت بخش بود و انتخاب رشته‌ام را یکی از بهترین انتخاب‌های طول دوران زندگی می‌دانم.

متأسفانه به‌خصوص در سال‌های اخیر بین دانشگاه و بالین در ایران شکاف و فاصله زیادی رخ داده و دانشگاه پیشرفت مناسبی نداشته است؛ هرچند با دسترسی به اطلاعات و مقالات و یوتیوب و کتب معتبر علمی دنیا و گسترش فضای اینترنت با تلاش دانشجویان و همکاران سعی می‌شود که به دانش روز دنیا نزدیک بشویم و در بخش بالین با پیشرفت مواجه باشیم ولی سیستم آموزشی آکادمیک دانشگاه در ایران چه در گرایش حیوانات خانگی چه در گرایش دام بزرگ و به‌خصوص در زمینه حیات‌وحش پیشرفت چشم‌گیری نداشته و به نوعی درجا زده و این سبب شده دامپزشکان به جای کسب مهارت و آگاهی لازم و مناسب در دانشگاه با کار در کلینیک‌ها و فارم‌ها سعی در افزایش دانش و تجربه خود داشته باشند که این موضوع خوشایند نیست و این شکاف بین دانشگاه و صنعت (بالین) سبب مشکل در تامین

نیازهای بخش‌های دولتی در گرایش‌های مختلف دامپزشکی به‌خصوص حیات‌وحش شده‌است که این مسئله نگران کننده‌ای است و تأسف‌بار است که سیستم آموزش آکادمیک دانشگاهی در بخش دامپزشکی از فضای روز بالین و نیاز روز دامپزشکی عقب تر هست.

۳. **شیرین‌ترین و تلخ‌ترین خاطره دوره دانشجویی‌تان چیست؟**

هیچ وقت یادم نمی‌رود زمانی را که دانشجوی ترم یک بودم؛ در یکی از جلسات کلاس درس آناتومی پایه در بیمارستان آموزشی نظرآباد دانشگاه آزاد واحد کرج پس از اتمام کلاس درس از سر کنجکاوای به گاوداری آموزشی بیمارستان و بین گاوها رفتم و تا قبل آن موقع هیچ تماس و برخورد مستقیم و نزدیکی با یک حیوان دام بزرگ نداشتم و استرس زیادی داشتم اما شاهد این صحنه بودم که گاوها به تعداد حدود ۲۰ تا ۳۰ رأس به صورت کاملاً دوستانه و کنجکاوانه دور تا دور من حلقه زدند و من هم باتوجه به عدم آشنایی نسبت به رفتار و واکنش آن‌ها، در ابتدا به اصطلاح خشکم زده بود، گاوها کم کم به من نزدیک شده و شروع به بازی کردن با لباس من کردند و در واقع به من اعتماد کردند و یک برخورد محبت‌آمیز و فهمیده و هوشمندانه و توأم با متانتیکه با من داشتند سبب ریخته‌شدن ترس من از حیوانات بزرگ‌جثه شد که چقدر با وجود جثه بزرگشان ولی برخورد محبت آمیز و دوستانه‌ای با من داشتند و به من یک دید قابل اعتماد نسبت به حیوانات داد که هنوز هم کماکان اولین و شیرین‌ترین خاطره من همین اولین تجربه ارتباط با گله گاوها محسوب می‌شود که در این مرحله ترس و تردید من نسبت به حیوانات ریخت!

– **چه جالب؛ و اما تلخ‌ترین خاطره؟**

تلخ‌ترین خاطره من خاطره یک اسب مبتلا به کولیک (دل درد در

اسب‌ها) که در دوره رزیدنتی در دانشگاه تهران به ما رسیده بود، است؛ یک اسب بسیار آموزش‌دیده و زیبا و اصیل به بخش داخلی دام‌های بزرگ ارجاع شده‌بود ولی زمانی که زیر دست ما رسید متأسفانه در مراحل نهایی سیر بیماری قرار داشت و معده حیوان پاره شده‌بود و و لحظاتی بعد به زمین افتاد و جان داد، مشاهده بغل‌کردن سر اسب توسط صاحب اسب و گریه او برای اسب از تلخ‌ترین خاطرات احساسی من در دوره دانشجویی دامپزشکی بود و هیچ‌وقت برای من هیچ صحنه‌ای دردناک‌تر از این نبود که آن سرپرست با ناراحتی و بغض می‌گفت من به‌دنیا آمدن این حیوان را شخصا دیدم و لحظه تولد اسب پیشش بودم و خودم در مراحل مختلف رشد اسب همراهش بودم و الان لحظه مرگش برایم بسیار سخت است و در کل، یک واقعیتی که وجود دارد این است که ازدست‌دادن حیوانات برای سرپرست‌های حیوانات به‌دلیل وابستگی و پیوند عاطفی ایجاد شده بین حیوان با سرپرست خود بسیار سخت است و شرایطی که دامپزشک نمی‌تواند کاری برای بهبود حیوان انجام دهد خاطراتی که در زمان ازدست‌دادن حیوان برای صاحب حیوان در ذهن ما ثبت می‌شود از تلخ‌ترین خاطرات ما دامپزشک‌هاست.

۴. لطفا پیرو چگونگی شروع به کار خود در سازمان حفاظت محیط‌زیست مرکز بازپروری حیات‌وحش پارک پردیسان توضیح دهید؛
خاطره یا دستاورد مهمی از دوره فعالیت خود در مرکز بازپروری حیات‌وحش می‌فرمایید؟
لطفا به‌طور خلاصه در مورد وضعیت فعلی مرکز بازپروری حیات‌وحش پارک پردیسان توضیح بفرمایید.

در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸ از طریق شرکت و قبولی در آزمون استخدامی به استخدام سازمان حفاظت محیط‌زیست درآمدم و تقریبا در فاصله حدود یکسال از استخدام در سازمان تا کنون سرپرستی مرکز بازپروری حیات‌وحش پردیسان را بر عهده دارم؛ زمانی که مسئولیت کلینیک را بر عهده گرفتم با یک کلینیک نه چندان با ظاهر جالب، با امکانات درمانی تقریبا صفر مواجه بودیم؛ یعنی نه دارو و نه امکانات جراحی و نه وسایل تشخیصی و کمک تشخیصی در اختیار نبود و این کمبودها سبب شد تا تلاش کنیم که مرکز پردیسان را به عنوان تنها مرکز تخصصی رسمی و دولتی بازپروری حیات وحش در ایران که از تأسیس این مرکز بیش از بیست سال می‌گذشت تجهیز کنیم. طرح‌ها و پروژه‌هایی در این زمینه با همکاری دفتر حیات‌وحش سازمان حفاظت محیط‌زیست با توجه به بودجه سازمان تدوین و برنامه‌ریزی و اجرا شد که به‌واسطه آن، انواع و اقسام داروهای بیهوشی مخصوص حیات‌وحش که در نوع خود بی‌نظیرند و در هیچ مرکز دیگری در کشور نداریم، برای پردیسان تهیه شد. تهیه دارت و بلوپایپ، اسلحه بیهوشی و راه‌اندازی بخش جراحی، لوازم جراحی بافت نرم،

لوازم ارتوپدی انجام شد. بخش رادیولوژی با دستگاه رادیولوژی دیجیتال قابل حمل که اخیرا پروانه این بخش نیز از سازمان انرژی اتمی گرفته‌شده راه‌اندازی شده‌است، دستگاه اولتراسوند سونوگرافی فعال شد و می‌توان گفت پردیسان از یک به اصطلاح قفس بازپروری به یک مرکز بازپروری تبدیل شده‌است که توان تشخیص و درمان و بازپروری دارد اما هنوز به وضع تکمیل و مطلوب نرسیده‌ایم و باید جایگاه‌های استاندارد و جایگاه‌های تخصصی بازپروری داشته باشیم؛ باید شرایط پیش رهاسازی مناسب با جایگاه‌های مناسب فراهم شود، پایش پس از رهاسازی بسیار مهم است که متأسفانه انجام نمی‌شود. ۱۰ تا ۲۰ درصد کیس‌های رهاسازی شده در بازپروری‌های استاندارد در دنیا تا یکسال استمرار حیات و تولیدمثل دارند که متأسفانه نسبت به میزان این دسته از حیوانات در کشور اطلاعات درستی در دسترس نیست و تمام رهاسازی‌های انجام‌شده بدون در نظرگرفتن شرایط پایش پس از رهاسازی نظیر قلاده‌گذاری است. استانداردهای قفس‌ها و امکانات درمانی نیازمند تجهیز بیشتری هستند. جذب داوطلبین باید از اولویت‌های مرکز پردیسان باشد. با اینکه راه زیادی پیش رو داریم اما در مسیر حرکت به سمت یک مرکز بازپروری استاندارد قرار داریم. تا به الان طبق آمار بیش از ۸۰۰۰ فرد از حیات وحش در طبیعت ایران رها شده‌است، از آخرین موارد رهاسازی مربوط به یک کفتار راه راه به نام بوبو می‌شود که به دلیل تصادف دچار مشکل شده‌بود و پس از جراحی و طی دوره بازپروری در منطقه کنگاور استان کرمانشاه رهاسازی شد و نمونه‌های زیادی از این موارد قابل اشاره هستند. اغلب کیس‌های ارجاعی به مرکز از راسته پرندگان و به‌طور خاص پرندگان شکاری هستند. برخی گونه‌ها نیز مانند خرس سیاه بلوچی قابل رهاسازی نیستند ولی حتی تمام گونه‌هایی که امکان رهاسازی شان وجود ندارند نیز از ارزش بسیار بالایی برخوردار هستند و به‌عنوان ذخیره بانک ژنی موظف به حفظ و نگهداری آن‌ها هستیم و در صورتی که مرکز نگهداری یا باغ وحش استاندارد با شرایط مطلوب مورد تایید سازمان حفاظت محیط‌زیست شرایط نگهداری این گونه ها را داشته باشد به آن مراکز واگذار می‌شوند. پردیسان هرچند با یک مرکز بازپروری اصولی مشابه آنچه در کشورهای اروپایی و آمریکایی مطابق کتب رفرنس دامپزشکی وجود دارد، فاصله دارد اما رشد خوبی داشته‌است؛ پتانسیل تبدیل‌شدن مرکز پردیسان به یک مرکز نمونه حتی در سطح خاورمیانه وجود دارد که صبر و بودجه برای نزدیک شدن پردیسان به یک مرکز استاندارد ضروری است و این مستلزم توجه بیشتر به ارتقای وضعیت مرکز پردیسان، در مراحل سه‌گانه درمان، بازپروری و رهاسازی است که این مهم از رسالت‌ها و وظایف مهم سازمان حفاظت محیط‌زیست نیز به‌شمار می‌رود.

۵. به عنوان یک دامپزشک فعال در حوزه حیات وحش، عمده

مشکلات و چالش های پیش روی حیات وحش را چه مواردی می دانید؟

متأسفانه در حال حاضر در کل دنیا با پدیده انقراض حیات‌وحش مواجه هستیم و مسئله انقراض یک مسئله انحصاری مختص ایران نیست و در همه جای دنیا در حال وقوع است. سرعت انقراض در بخش‌هایی از دنیا به سبب آگاهی مردم و توانمندی دستگاه‌های مسئول حفاظت محیط‌زیست، بیشتر و در بخش‌هایی از دنیا کمتر است. با چالش انقراض از آفریقا تا ایران و در دیگرنقاط دنیا مواجه هستیم. همانطور که در دنیا تنها دو فرد کرگدن سفید شمالی داریم، تنها حدود بیست قلاده یوزپلنگ آسیایی داریم، بنابراین باید درنظر داشت که مسائل و مشکلات صرفا مربوط به ایران نیست و در همه‌جای دنیا وجود دارد. مهم‌ترین علت انقراض حیات‌وحش، تخریب و کاهش کیفیت و تکه‌تکه‌شدن زیستگاه‌هاست که سبب ازدست‌دادن دسترسی



حیوانات به آب و غذا و شرایط مناسب تولیدمثلی آن‌ها خواهدشد. گسترش شهرها سبب وقوع تعارضات بین انسان و حیات‌وحش و مثلا استفاده از تله‌ها می‌شود، جاده‌سازی و تصادفات جاده‌ای از عوامل انقراض در دنیا و از مهم‌ترین چالش‌های یوز آسیایی در ایران محسوب می‌شوند. تغییرات اقلیم و گرمایش جهانی و مشکل در دسترسی به آب به خصوص در بیست الی سی سال اخیر، تعارض بین حیات‌وحش با حیوانات اهلی رها در طبیعت نظیر سگ‌ها و گربه‌ها یا وقوع بیماری‌هایی نظیر طاعون نشخوارکنندگان کوچک (PPR) به دلیل حضور دام‌ها در مناطق و زیستگاه‌ها، ناآگاهی مردم که بعضا از سردلسوزی سبب جداشدن جوجه پرندگان یا نوزادان حیات‌وحش در فصل بهار می‌شوند یا قاچاق حیات‌وحش از عمده معضلات حیات‌وحش هستند. به‌طور کلی باید بدانیم انسان‌ها در کل جهان، شرایط را به نفع خودشان تغییر داده‌اند که این تغییر شرایط سبب در پرتگاه انقراض قرار گرفتن بخش عمده‌ای از حیات‌وحش شده‌است.

۶. آیا امکان کمک و حمایت‌های مردمی از فعالیت‌ها و ارتقای تجهیزات و زیرساخت‌های مرکز پردیسان وجود دارد؟

متأسفانه خیر!!!

در ساختار بخش‌های دولتی در ایران ازجمله در سازمان حفاظت محیط‌زیست برای پیشگیری از فساد، دریافت کمک‌های مردمی مستلزم گذر از مراحل طولانی است و امکان دریافت کمک‌ها به طور مستقیم از مردم وجود ندارد. اساسا در مراکز بازپروری حیات‌وحش در دنیا مردم حمایت‌گر هستند که البته در دنیا نیز بعضا موارد فساد و مسائل تخلف مالی اتفاق می‌افتد و البته موارد زیادی هم وجود دارند که نظارت و دقت مناسبی نسبت به مصرف منابع و کمک‌های مردمی در راستای جلوگیری از فساد و تخلف، صورت می‌گیرد. در ایران به جای درنظرگرفتن راهکار برای شفافیت و صحیح طی‌شدن پروسه دریافت و مصرف کمک‌های مردمی عملا این موضوع با یک مسدودیت و قفل‌شدن مواجه است. هموطنان شریف ما، مردم سخاوتمندی هستند و حمایت‌های مردم واقعا می‌تواند کمک‌کننده باشد ولی تاکنون دولت و سازمان حفاظت محیط‌زیست، راهی را برای دریافت مستقیم کمک‌های مردمی درنظر نگرفته‌اند.

۷. تا چه حد وجود و گسترش مراکز بازپروری حیات‌وحش را در حفاظت از تنوع‌زیستی موثر و لازم می‌دانید؟
آیا گسترش مراکز بازپروری حیات‌وحش در دستور کار سازمان محیط‌زیست قرار دارد ؟
به نظر شما این مورد (گسترش و ارتقای سطح کیفی مراکز بازپروری) از اولویت‌های سازمان باید باشد یا خیر ؟

به‌طور کلی در دنیا دو دیدگاه پیرو سودمند بودن یا مضر بودن بازپروری حیات وحش برای حیات‌وحش جهانی وجود دارد، برخی آن را جبران مافات و جبران خسارات واردشده از طرف انسان به حیات‌وحش تلقی می‌کنند و عده‌ای نیز بازپروری حیات‌وحش را به دلایلی منطقی برای حیات‌وحش مضر و آسیب‌رسان می‌دانند؛ مخالفان بازپروری حیات‌وحش معتقدند در حیواناتی که از طبیعت حذف می‌شوند دو حالت وجود دارد؛ ممکن است بدشانس بوده باشند یا ممکن است ثن‌های بد و ضعیف داشته باشند، وقتی پس از بازپروری حیوان بدشانس حیات‌وحش به دنبال رهاسازی آن در طبیعت هستید، در تعدیل جمعیتی که طبیعت برای حفظ بقای آن گونه با توجه به ظرفیت برد زیستگاه دنبال کرده اختلال ایجاد می‌شود. برخی مخالفان معتقدند افرادی که دچار آسیب شدند شاید ژن‌های خوبی نداشتند مثلا قوچی که با شکستگی پا مواجه شده‌است احتمالا تراکم استخوانی پایین‌تری بهره هوشی کمتری دارد و با نجات آن، عملا ژنی را که طبیعت تصمیم به حذف آن گرفته مجدد به طبیعت بازمی‌گردانید که این مورد خطا است. ایراد

دیگری که مطرح می‌شود این است که بازپروران، حیوانات را از منابع و مناطق مختلف جمع می‌کنند و عمده عوامل بیماری‌زای مختلف آن‌ها به هم منتقل شده و سپس در مناطق مختلف رهاسازی می‌شوند یعنی شاید مراکز بازپروری، خود به عنوان گسترش دهنده بیماری‌ها در حیات‌وحش محسوب بشوند.

موافقان بازپروری حیات‌وحش معتقدند که با رعایت اصول و پروتکل‌های صحیح بازپروری حیات‌وحش می‌توانند ایرادات مطرح‌شده توسط مخالفان بازپروری را درنظرگرفته و آن‌ها را مرتفع کنند؛ اولاً اینکه حیوانی که ژن بدی دارد یا امکان تداوم حیات در طبیعت ندارند به سایر مراکز نگهداری منتقل شوند، بعضاً حیوانات، حتی در بدو ورود به مرکز بازپروری به دلیل صدمات غیرقابل جبران وارده و امکان‌پذیرنبودن زیست مجدد در طبیعت، مطابق پروتکل‌ها یوتانایز می‌شوند؛ بنابراین با تریاژ صحیح می‌توان جلوی تصمیم‌گیری‌های نادرست را گرفت. دوماً اینکه مراکز بازپروری باید به صورت تخصصی فعالیت کنند، مثلاً فقط مرکز بازپروری شاهین وجود داشته باشد که برحسب گونه و زیرگونه در جایگاه‌های جداگانه نگهداری شوند و در مناطقی رهاسازی شوند که از آن مناطق گرفته شده اند تا اینکه از انتقال بیماری‌ها بین گونه‌ها و افراد مختلف پیشگیری شود. گدار یا مهاجرت طبیعی حیوانات (پستانداران) بین زیستگاه‌های مجاور هم متأسفانه دچار مشکل شده‌است، با تست ژنتیک و رهاسازی برحسب تشابه ژنتیکی در مناطق هدف، می‌توان از رسیدن گونه به مرحله گرداب انقراض جلوگیری نمود. در یک رهاسازی اصولی، افراد با شباهت ژنتیکی، لزوماً در یک منطقه یکسان رهاسازی نمی‌شوند.

مردم از همه دولت‌ها انتظار دارند که برای جبران صدمات حیات‌وحش کاری انجام شود؛ اگر سازمان حفاظت محیط‌زیست بخواهد حیات‌وحش را نجات دهد باید گسترش مراکز استاندارد بازپروری حیات‌وحش را در اولویت و در دستور کار خود قرار دهد، دامپزشکان حیات‌وحش سعی در هم‌نظر کردن و جلب توجه مدیران سازمان حفاظت محیط‌زیست پیرو این مورد دارند که این تعامل بین دامپزشکان حیات‌وحش و کارشناسان محیط‌زیست، امیدبخش آینده‌ای مثبت در این زمینه است. سازمان حفاظت محیط‌زیست وظیفه گسترش مراکز بازپروری را دارد، در اصفهان، شهرکرد و کردان کرج نیز مراکز مشابه فعال هستند و مراکز بازپروری تاج سر سازمان محسوب شده و اعتماد مردم به سازمان ارتقا پیدا نخواهد کرد مگر اینکه تعامل سازمان با مردم و تعامل مراکز بازپروری با مردم و سطح فعالیت‌های مراکز بازپروری در زمینه‌های تخصصی و در زمینه آموزش و پژوهش و اطلاع‌رسانی ارتقا یابد. بازپروری و آموزش در زمینه حیات‌وحش از رسالت‌های اساسی مراکز بازپروری حیات‌وحش هستند.

۸. آیا دانشجویان علاقمند رشته‌های دامپزشکی و یا محیط‌زیست می‌توانند در مرکز پردیسان فعالیت داوطلبانه داشته باشند؟ مراحل پیش روی داوطلبان چیست؟

بله ولی متأسفانه پروتکل و مراحل و راهکار مدون و روشنی برای جذب دانشجویان به عنوان کارآموز و بازآموز وجود ندارد و همین سبب سخت‌شدن این پروسه شده و تعداد محدودی موفق به این مورد شدند که البته این مورد از نقاط ضعف مرکز پردیسان است. مراحل اداری تا به الانی که با شما دوستان محیط‌زیستی صحبت می‌کنم از ارائه یک درخواست به دفترحیات وحش شروع می‌شود و با ارائه یک رونوشت به حراست و یگان سازمان حفاظت محیط زیست جهت اطلاع آن‌ها و در صورت موافقت با حضور، داوطلبان در ساعات و روزهای مقرر می‌توانند حضور یابند.

۹. بعضاً در دید کنشگران محیط‌زیست و دانشجویان و کارشناسان محیط‌زیست، سازمان حفاظت محیط‌زیست یک سازمان ضعیف نیازمند توجه بیشتر از سوی دولت و حاکمیت مطرح می‌شود و مشکلاتی نظیر کمبود بودجه یا ضعف مدیریتی آن از دلایل

ضعف این سازمان در پیشبرد اهداف خود شناخته می‌شود تا به حدی که حتی پیشنهادهاتی نظیر ادغام سازمان محیط‌زیست با سازمان منابع‌طبیعی یا تغییرات ساختاری در بدنه سازمان یا تغییر ماهیت سازمان از معاونت ریاست جمهوری به وزارتخانه مطرح می‌شود که البته اجرایی‌شدن چنین تصمیماتی مستلزم بررسی‌های کارشناسانه می‌باشد. نظر شما به عنوان یک دامپزشک فعال در سازمان پیرو این مورد چیست؟ و چه اقداماتی می‌تواند در ارتقای سطح کیفی سازمان حفاظت محیط‌زیست موثر باشد؟

یک جمله معروفی نقل با این مضمون نقل می‌شود که حفاظت بدون پول خنده دار است!!! و این یک واقعیت است. تا زمانی که سازمان حفاظت محیط‌زیست قدرت ندارد و با پول حمایت نشود نمی‌توان انتظار حفاظت به طور کامل را داشت. سازمان حفاظت محیط‌زیست از مردم پول نمی‌گیرد و درآمدزا نیست و دولت باید به این درک برسد که حفاظت از طبیعت، حفاظت از آینده مردم ایران است و باید برای حفاظت پول هزینه شود و این یک سرمایه‌گذاری مهم تلقی شود. زمانی که مرحوم اسکندر فیروز سازمان حفاظت محیط‌زیست را تاسیس کرد، ایران چهارمین کشور دنیا بود که این نهاد را داشت که به نوبه خود یک انقلاب محسوب می‌شد. سازمان در آن زمان زیرنظر نخست‌وزیری بود و



الان زیر نظر ریاست‌جمهوری است. هرچند، دانش سیاسی من بالا نیست ولی می‌دانم که سازمان نباید منحل شود و همچنین نباید با سازمان یا نهاد دیگری ادغام شود و شاید تبدیل‌شدن این سازمان به یک وزارتخانه برای اینکه بودجه مشخصی داشته باشد و پاسخگویی بهتری نیز به مجلس شورای اسلامی و به مردم داشته باشد ایده مناسبی به‌نظر برسد که مستلزم بررسی کارشناسانه است ولی در هر صورت، سازمان حفاظت محیط‌زیست باید قوی‌تر و بزرگتر و پولدارتر شود.

۱۰. در فصل سفرهای تابستانه مردم قرار داریم، مردم در صورت برخورد با حیات‌وحش آسیب دیده یا نوزادان حیات‌وحش چه اقدامی انجام بدهند؟

طبق آموخته‌های کتب رفرنس حیات‌وحش، اکثریت حیوانات بی‌سرپرست و یتیم که به دامپزشکان و مراکز بازپروری ارجاع داده می‌شوند، واقعا یتیم یا بی‌سرپرست نیستند و درحقیقت به اشتباه از طبیعت جدا شده‌اند. این معضل، نه‌تنها در ایران بلکه در باقی کشورهای دنیا نیز دیده می‌شود. بنده نیز به عنوان سرپرست یک مرکزبازپروری حیات‌وحش در ایران متأسفانه شاهد این اتفاق در کشورمان هستم، مواردی نظیر اینکه فردی یک جوجه شاه‌بوف، یک فرد دیگر یک توله روباه، فرد دیگری یک بره میش، نوزاد قوچ تازه متولدشده با بندناف خیس را به مرکز می‌آورد و همه این‌ها سرپرست دارند و مردم با اینکه به جهت حسن‌نیت و از سر خیرخواهی این بچه‌ها را برداشته‌اند اما مهم است که بدانند بزرگترین خیانت را به همه این حیوانات کرده‌اند چون محکوم به زیست در اسارت تا آخر عمرشان خواهند بود. مردم عزیز ما بدانند و آگاه باشند که از هر ده حیوانی که در طبیعت برداشته می‌شوند، نه تایشان مادرشان به‌زودی به آن‌ها ملحق می‌شدند و به دلیل حضور آن‌ها از محل دور شده یا اینکه پی غذا برای جوجه یا نوزادان خویش رفته‌است و پس از گذشت زمانی اندک، مجدد به آن‌ها بازخواهدگشت. در مواقع برخورد با چنین صحنه‌هایی در طبیعت باید سریعاً از محل دور شوند و اقدام خودسرانه‌ای انجام ندهند. رسانه‌ها و فضای مجازی باید جلوی این مسأله را بگیرند و اطلاع‌رسانی کنند. نباید به اشتباه حیوانات را از طبیعت از سر دلسوزی اشتباه جدا کرد.

۱۱. اگر به گذشته بازگردید باز هم به همین رشته ورود می‌کنید؟

قطعا بله ولی در نحوه تحصیل در دوره دکتری عمومی و دکتری تخصصی یک بازنگری کلی خواهم نمود و با نگرش الان و با اعمال اصلاحات اساسی درس خواهم‌خواند.

۱۲. آرزوی شما برای جوانان ایران و برای کشور چیست؟

یک چیز و آن امید؛ اینکه شمع امید در دل جوانان ما خاموش نشود و نسبت به وظایف و مسئولیت‌های خود در کشور دلزده و دلسرد نشوند. امیدواری جوانان سبب پیشرفت کشور ما خواهدبود و امیدوارم همه جوانان مستعد ما در کشور ما بمانند و به کشور خودشان خدمت کنند ولی برای افرادی هم که فکر می‌کنند می‌توانند در جای دیگری از دنیا برای خودشان و برای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند مفید باشند و برنامه مهاجرت دارند آرزوی موفقیت دارم و هرجایی از دنیا که پرچم ما به عنوان یک ایرانی بالا باشد سبب افتخار همه ما خواهدبود به‌خصوص اگر از دوستان و همکاران رشته دامپزشکی و محیط‌زیستی‌ها باشد و به قول معروف آرزومندم جوان ایرانی هرجای دنیا که باشد خوش بدرخشد.

۱۳. به تازگی انتخابات ریاست‌جمهوری دوره چهاردهم و تشکیل دولت جدید را پشت سر گذاشتیم، تا چه حد نقش و رویکرد دولت‌ها را در نحوه برخورد با حیات‌وحش کشور و مدیریت محیط‌زیست و حیات‌وحش کشور موثر و مهم می‌دانید؟

نباید صددرصد حفاظت از حیات‌وحش را صرفاً وظیفه دولت دانست همانطور که در دنیا نیز اینگونه نیست و حفاظت از خیلی مناطق به بخش‌های خصوصی واگذار شده که از مصادیق این موضوع در دنیا به game reserve ها می‌توان اشاره کرد یعنی اراضی وسیعی که به عنوان منطقه حفاظت‌شده برای حیوانات وحشی در نظر گرفته شده‌است و مسئولیت آن‌ها بر عهده بخش خصوصی گذاشته شده که حتی به مراتب بهتر از حفاظت توسط دولت است که مشابه این موضوع را در ایران با مضمون قرق‌های اختصاصی داریم که البته در ایران به‌طور محدود، توسعه یافته است. اساساً سازمان حفاظت محیط‌زیست در کشورهای مختلف دنیا نقش محدودی ایفا می‌کند و نباید این تفکر را داشت که مردم بنشینند و منتظر باشند تا دولتی روی کار بیاید که از حیات‌وحش و محیط‌زیست حفاظت کند بلکه دولت باید برای مردم روشن‌گری و آن‌ها را تفهیم کند که حفاظت از محیط‌زیست وظیفه همگانی و ملی هر ایرانی است و دولت وظیفه نظارت را بر عهده دارد. دولت باید بخش اعظم مسئولیت خود را همچون باقی قسمت‌های دنیا به بخش‌های خصوصی واگذار کند و بر عملکرد صحیح آن‌ها نظارت دقیق داشته باشد که این حفاظت همگانی یا مشارکت عمومی در حفاظت از حیات‌وحش اطلاق می‌شود و تنها راه ما برای برون‌رفت از مشکلات و چالش‌های حفاظت محیط‌زیست است. مردم، بخش خصوصی و دولت باید در کنار هم سهم و مسئولیت داشته‌باشند و در این شرایط، تغییر دولت‌ها و

انتخابات‌ها چندان موثر نیست چون برنامه‌های دولت‌ها را خود مردم و بخش خصوصی اجرا می‌کنند و دولت یا حاکمیت با نظارت و قانون‌گذاری ایفای نقش می‌کند.

۱۴. سخن یا نکته ای برای جمع بندی اگر مدنظر دارید یا اگر موردی که در سوالات ما به آن اشاره نشد ولی به نظرتان مهم است بفرمایید.

امیدوارم مرکز بازپروری حیات‌وحش پارک پردیسان به آن چیزی که لیاقت کشور و مردم و حیات‌وحش ایران هست دست یابد و

توسعه بیشتری یابد و من هم تا زمانی که مسئولیت داشته‌باشم همچون گذشته از هیچ تلاشی برای ارتقای مرکز دست بر نخواهم‌داشت و همچنین امیدوارم دامپزشکی در ایران از بن‌بست مشکلات مربوط به فاصله بین دانشگاه و بخش خصوصی و نیاز جامعه و نیاز صنعت در بیاید و به آن چیزی که واقعا حق دانشجویان دامپزشکی است برسد و امیدوارم ناامیدی و بی‌علاقگی در دانشجویان دامپزشکی ما از بین برود چون تمام دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دامپزشکی، سرمایه‌های کشور هستند چون دولت خانواده آن فرد سرمایه‌گذاری کرده و عمر آن فرد نیز صرف شده و در صورت ناامیدی و دل‌زدگی هر یک نفر،

جامعه ضرر می‌کند و مهم تر اینکه امیدوارم همه ما با اتحاد، همدلی و تلاش بیشتر برای تعالی کشور و ملت خود به دور از هرگونه تفکر سیاسی و اجتماعی که داریم بکوشیم؛ بدانیم که یک خاک بیشتر برای ما وجود ندارد و آن خاک ایران ماست و باید برای پیشرفت ایران عزیزمان تلاش و کوشش همگانی داشته‌باشیم.

- در پایان از این که وقت ارزشمندتون رو جهت پاسخ به سوالات در اختیار ما قرار دادید، بسیار سپاسگزارم.

